

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

هواداری از کابل

۱۸.۰۸.۰۹

## مردم ما منتظر هیچ تغییر مثبتی در زندگی شان نخواهند بود.

نتور انتخابات ریاست جمهوری افغانستان هر روز گرم تر شده می‌رود. مصارف بی رویه و تبلیغات زهر آگین انتخابات در این گیرودار چشم و گوش همه را بیشتر به طرف خود جلب نموده است، مخصوصاً شعار های تبلیغاتی یکتعداد از نامزدان انسان را به یاد برگزاری انتخابات شفاف در کشورهای دموکراتیک و دولت های مردمی می اندازد، انتخاباتی که زیر سایه تفنگ اشغال و دست جنایتکاران جنگی نه بلکه با استقلالیت و آزادی تمام برگزار می گردد.

شعار های چون "عدل و انصاف"، "تغییر و امید"، "عدالت اجتماعی" و مانند اینها، شعار هائی نیست که در کشورهای مستعمره – نیمه فیودالی مفهوم داشته باشند. در این نوع کشورها فساد، حق تلفی، مافیای اقتصادی، خویش خوری، هتک حرمت، بی عدالتی، نا امیدی و غیره کلماتی است که حتی هر آدم بی سوادى با پوست و گوشت خود آن ها را حس می کند.

واقعیت فراتر از این شعار هاست. کشوری که در چنگال تجاوز و اشغال قرار داشته و ابتدائی ترین پالیسی های آن توسط مشاورین خارجی طرح ریزی می‌گردد، سردادن شعار های چون "تغییر و امید"، "عدل و انصاف"، "وحدت و ترقی"، "عدالت" آنهم توسط کسانی که کوچکترین باوری به این شعار ها ندارند، حرف پوچ و بی معنی بیش بوده نمی تواند. به طور نمونه، "تغییر و امید" شعاریست که از آدرس جهادی سابقه دار سر داده می شود و "حکومت عادل و پاسخگو" شعاریست که از آدرس کارمند سابقه بانک جهانی سر داده می شود. اولی از مهره های اصلی جنگ های داخلی سالهای ۷۲ در کابل است که در نتیجه آن هزاران نفر در کابل کشته شدند و تاریخ کشور ما هرگز آن را از یاد نخواهند برد و دومی سمبول آوردن فقر و ویرانی در کشورهای آسیائی و افریقائی توسط پیچاندن نسخه های بانک جهانی می باشد.

امروز خلق زحمتکش و ستم دیده ای این مرز و بوم هوشیارتر از آن است که با این شعار های پوچ و بی معنی اغوا گردد. اولاً کسانی که این شعارها را سر میدهند به آن کوچکترین باوری ندارند، ثانیاً اگر به اندازه نیم نخود سیاه هم باور

داشته باشند در وضعیتی که کشور ما اشغال را با تمام وجود خود احساس می کند، چقدر صلاحیت خواهند داشت که در تطبیق این شعار ها گام عملی بردارند.

جدی و مهم جلوه دادن انتخابات، در واقع یکی از شگردهای جامعه جهانی "امپریالیزم جهانخوار" در تحمیق توده هاست تا نشان دهد که زعیم ملی کشور نه به اشاره دست بداران شان بلکه توسط رأی مردم انتخاب گردیده اند. اگر امروز اضافه از ۶۰ فیصد خلق ما شب با شکم گرسنه میخوابد، اگر امروز فاصله طبقاتی به اوج خود رسیده است و بالاخره اگر امروز زحمتکشان این مرز و بوم نمی توانند به سرنوشت خویش تصمیم بگیرند، اما یک مسأله کاملاً واضح است و آن اینکه آگاهی سیاسی مردم محروم جامعه ما زیاد شده و میدانند که اشتراک در این انتخابات، در حقیقت آب به آسیاب دشمن انداختن است.

حدس و گمان ها نشان دهنده آن است که اشتراک توده ها در این دوره، حتی از انتخابات دوره اول ریاست جمهوری هم کم رنگتر خواهد بود. اکثریت توده های زحمتکش و ستمدیده ما طی مدت پنجسال گذشته به یک نتیجه رسیده و آن اینکه با اشتراک در این نوع انتخابات ها جز طولانی کردن عمر استعمار و حاکمیت حکومت وابسته به آن، چیزی دیگری برایشان به ارمغان نخواهد رسید. این را میشود در چهره های رنجدیده و خسته فرد فرد این مرز و بوم به وضاحت مشاهده نمود. مردم ما با درس گیری از اشتراک در انتخابات سرکاری دوره اول اکنون به این نتیجه رسیده است که

**"به هر رنگی که خواهی جامه میپوش من از طرز خرامت می شناسم."**

همین هائی که شعار های "تغییر و امید" و "نظام عادل" را سر می دهند، تا دیروز با حکومت کرسی گره های وابستگی را هرچه محکم تر می بستند و شبانه روزی به فکر ایجاد وابستگی های سیاسی در وزارت خارجه و اقتصادی در وزارت مالیه کشور ما با اربابان شان بودند، اما امروز ظاهراً با نظام حاکم به مخالفت برخاسته اند و میخواهند در این آشفته بازار برای خود شان نام و نشانی کمائی نمایند، در غیر آنصورت سیاست ها و طرح هائی را که در جریان کمپاین انتخاباتی شان مطرح نموده اند، هیچ تفاوت با سیاست ها و طرح های نظام حاکم ندارند. پس مردم ما منتظر هیچ تغییری در زندگی شان نخواهند بود.

اگر تا دیروز جهادی ها و جنایتکاران جنگی زیر نام "آرمان های جهاد" در گلو بریدن زحمتکشان گوی سبقت را از یک دیگر می ربودند و تجارت ویرانی و خون را پیشه خود کرده بودند، اگر تا دیروز تکنوکرات ها و از این قماش انسان ها به فکر تن پروری و به دست آوردن سرمایه های افسانه ئی در کشور های غربی غمی از آینده این مردم به سر راه نمی دادند، امروز با سردادن شعارهای چون "عدالت اجتماعی"، "تغییر و امید"، "نظام عادل" و غیره نوع تجارت شان را تغییر داده و اینبار میخواهند با سیاست، "بیزنس" نمایند.